



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

برنامه ریزی رفاه اجتماعی

بررسی رابطه‌ی رفاه اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی

در شهر سنندج

استاد راهنما: دکتر جعفر هزارجریبی

استاد مشاور: دکتر سعید وصالی

دانشجو: احسان مردوخ روحانی

بهمن ماه ۱۳۸۸

سپاس برای

دکتر جعفر هزار جریبی، دکتر سید سعید وصالی و دکتر نادر سالارزاده امیری

با تشکر از

پدر و مادرم

وریا دیوانی، محمد هوشیار فتحی، افشین بهاری زر، رحمت علاقه بندان، سعدی قریشی، خبات جلالی،

فیروز راهرو زرگر و امید حیدری

چکیده

یکی از پیش‌نیازهای توسعه در جوامع بشری، سرمایه‌ی اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به شبکه‌ی روابط مردم اطلاق می‌شود. این شبکه هرچه وسیعتر باشد؛ یا به عبارت دیگر، در روابط مردم اعتماد و ثبات بیشتر باشد، سرمایه‌ی اجتماعی در سطح بالاتری قرار می‌گیرد و بستر مناسب‌تری برای توسعه فراهم می‌آید.

سرمایه اجتماعی در این تحقیق شامل سه بعد اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و تعهد اجتماعی است.

دیگر مفهوم مرتبط با سرمایه‌ی اجتماعی، رفاه اجتماعی است که خود دو بُعد عینی و ذهنی دارد. بُعد عینی آن - که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است - شامل اشتغال، مسکن، جمعیت، آموزش، بهداشت، درآمد و اوقات فراغت می‌شود.

رابطه‌ی این دو مفهوم (رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی و رابطه مولفه‌های رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی) در سطح شهر سنندج، در دو منطقه‌ی فقیرنشین شمال و شرق و همچنین دو منطقه‌ی مرفه جنوب و غرب، در قالب پرسشنامه، بررسی شده است.

فرضیه‌های این تحقیق شامل رابطه‌ی رفاه اجتماعی با سرمایه‌ی اجتماعی و نیز رابطه‌ی رفاه اجتماعی از طریق مولفه‌های رفاه اجتماعی - که از آن‌ها نام برده شد - با سرمایه‌ی اجتماعی است.

در نهایت رابطه‌ی رفاه اجتماعی با سرمایه‌ی اجتماعی و همچنین رابطه رفاه اجتماعی از طریق اوقات فراغت با سرمایه‌ی اجتماعی و رابطه اوقات فراغت با رفاه اجتماعی اثبات شد؛ اما رابطه‌ی رفاه اجتماعی از طریق دیگر مولفه‌های رفاه اجتماعی (مانند مسکن، آموزش، اشتغال و...) با سرمایه‌ی اجتماعی رد شد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی، آموزش، بهداشت، اشتغال، درآمد، مسکن،

جمعیت، اوقات فراغت

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول: طرح پژوهش

- طرح مساله ۱
اهداف تحقیق ۳
اهمیت و ضرورت حقیق ۵

فصل دوم: مبانی نظری

- مبانی نظری ۹
لیبرالیسم ۱۰
محافظه کاری ۱۳
سوسیال دموکراسی ۱۶
آرای شریعتی، بازرگان و مطهری در خصوص رفاه ۲۸
سرمایه اجتماعی ۳۶
پیشینه تحقیق ۴۲
چهارچوب نظری ۵۹
مدل تحقیق ۶۳
سوالات و فرضیات ۶۴

فصل سوم: روش پژوهش

- مقدمه ۶۶
روش تحقیق ۶۷
جامعه آماری ۶۸
روش نمونه گیری و حجم جامعه آماری ۶۸
روش گردآوری اطلاعات و ابزار اندازه گیری ۶۹
پایایی و روایی ۷۰

فصل چهارم: یافته‌های تحقیق و فهرست جداول و نمودارها

- یافته‌های تحقیق ۷۱

جدول ۱-۴ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن	۷۱
جدول ۲-۴ توزیع فراوانی بر حسب جنسیت	۷۲
جدول ۳-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب زیربنای واحد مسکونی	۷۳
جدول ۴-۴ توزیع پاسخگویان ساکن در واحد مسکونی	۷۴
جدول ۵-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت مالکیت منازل مسکونی	۷۵

فهرست جداول و نمودارها

عنوان	صفحه
جدول ۶-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب درآمد ناشی از اشتغال	۷۷
جدول ۷-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب ساعات کار در هفته	۷۸
جدول ۸-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب آزادی در گذران اوقات فراغت	۷۹
جدول ۹-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب میزان آزادی در انتخاب نوع سرگرمی	۸۱
جدول ۱۰-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب میزان دسترسی به امکانات رفاهی	۸۲
جدول ۱۱-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب درآمد	۸۳
جدول ۱۲-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب هزینه‌های آموزشی	۸۴
جدول ۱۳-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب هزینه‌های بهداشتی	۸۵
جدول ۱۴-۴ توزیع پاسخگویان بر حسب رفاه اجتماعی	۸۶
جدول ۱۵-۴ توزیع درصد فراوانی پاسخگویان بر حسب سرمایه اجتماعی	۸۷
جدول ۱۶-۴ آزمون رابطه رفاه و سرمایه اجتماعی	۸۹
جدول ۱۷-۴ آزمون رابطه فراغت و سرمایه اجتماعی	۹۰
جدول ۱۸-۴ آزمون رابطه بهداشت و سرمایه اجتماعی	۹۱
جدول ۱۹-۴ آزمون رابطه درآمد و سرمایه اجتماعی	۹۲
جدول ۲۰-۴ آزمون رابطه مسکن و سرمایه اجتماعی	۹۳
جدول ۲۱-۴ آزمون رابطه جمعیت و سرمایه اجتماعی	۹۴
جدول ۲۲-۴ آزمون رابطه اشتغال و سرمایه اجتماعی	۹۴
جدول ۲۳-۴ آزمون رابطه آموزش و سرمایه اجتماعی	۹۵
جدول ۲۴-۴ آزمون رابطه سن و سرمایه اجتماعی	۹۵
جدول ۲۵-۴ آزمون رابطه سن و رفاه اجتماعی	۹۶
جدول ۲۶-۴ آزمون رابطه رگرسیون رفاه اجتماعی و اوقات فراغت با سرمایه اجتماعی	۹۷
اطلاعات تکمیلی	۱۰۰
آمار تکمیلی	۱۰۷

۱۱۰.....	نتیجه گیری
۱۱۵.....	پیشنهادات
۱۱۷.....	محدودیت‌های تحقیق
۱۱۸.....	منابع
۱۲۴.....	ضمیمه

۱-۱ - طرح مسئله

امروزه یکی از مفاهیم مهم در ارتباط با توسعه کشورها مقوله سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به شبکه روابط بین مردم گفته می‌شود که اگر به صورت پایدار و در سطح گسترده‌ای باشد می‌تواند بسیار در توسعه و امنیت هر کشوری تاثیرگذار باشد. هر چه حلقه روابط و دایره سرمایه اجتماعی وسیعتر باشد سرمایه اجتماعی در وضعیت بهتری قرار دارد.

سرمایه اجتماعی در کشور ما - چنانچه تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد - در سطح پایینی قرار داشته و تنها حلقه‌ای که هنوز سرمایه اجتماعی در آن حضور پررنگی دارد خانواده است (ذکایی، ۱۳۸۶: ۸۱).

علاوه بر این مردم به همشهریها، پس از آن همزبانها و در نهایت به هم‌میهنیهای خود اعتماد می‌کنند؛ که این امر نشان‌دهنده حلقه‌های اعتماد محدود وجود هویت‌های قوی محلی است تا ملی. این حالت می‌تواند بسیار به وحدت و توسعه کشور لطمه وارد آورد. تحقیقات به عمل آمده، در مورد سرمایه اجتماعی بیشتر به توصیف چگونگی و وضعیت این مقوله پرداخته‌اند تا علل آن.

به نظر می‌رسد یکی از مسائل تاثیرگذار در مورد سرمایه اجتماعی در ایران وضعیت رفاه اجتماعی است. مطابق نظریه‌هایی که به تبیین این امر می‌پردازند در کشورهایی که رفاه اجتماعی در سطح بالایی است و به گونه‌ای عادلانه توزیع شده است سرمایه اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد و در کشورهایی که این خدمات به صورت ناعادلانه است و در سطح پایینی ارائه می‌شود سرمایه اجتماعی نیز در سطح پایینی قرار دارد. (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۲۳۷)

در ایران به نظر می‌رسد یکی از علل ضعف سرمایه اجتماعی سطح پایین و وضعیت ناعادلانه رفاه اجتماعی است.

در اینجا باید به نکته‌ای اشاره کنم و آن تفکیک دو نوع از سرمایه اجتماعی است که عبارتند از سرمایه اجتماعی درون گروهی و دیگری سرمایه اجتماعی برون گروهی. سرمایه اجتماعی درون گروهی به این معنا است که در جامعه‌ای افراد بیشتر با افراد خانواده خود، آشنایان یا بهر حال حلقه‌های محدودتر اجتماعی رابطه داشته باشند. در سرمایه اجتماعی برون گروهی روابط افراد به حلقه خاصی محدود نشده و فرد این توانایی و قابلیت را دارد که با افراد غریبه یا متعلق به حلقه‌های گسترده‌تر اجتماعی رابطه برقرار کند. منظور از سرمایه اجتماعی در اینجا سرمایه اجتماعی برون گروهی است نه درون گروهی. زیرا نوع درون گروهی سرمایه اجتماعی کمکی به توسعه نمی‌کند و حتی می‌تواند مانعی بر سر راه آن هم باشد.

در جوامع مدرن توسعه‌یافته سرمایه اجتماعی درون گروهی - که در جوامع سنتی حضور پررنگ دارد - به نحو موفقیت‌آمیزی به سرمایه اجتماعی برون گروهی بدل می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۳ : ۴۱۴) در کشور ما متأسفانه مدل درون گروهی به برون گروهی تبدیل نشده است و شاهد آن هستیم که در استانهایی که از سطح توسعه پایینتری قرار گرفته‌اند سرمایه اجتماعی در سطح بالاتری قرار دارد. در این استانها سرمایه اجتماعی نوعاً درون گروهی است. (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶ : ۲۲۲) در سیاستگذارهای کشور نیز به این امر اخیراً توجه شده است اما اقدام مناسبی برای تغییر در وضعیت موجود انجام نشده است.

در مورد رفاه اجتماعی نیز به دو صورت می‌شود به بحث پرداخت : یکی ایدئولوژیهای رفاهی و مقایسه آنها با همدیگر در مورد موضع‌گیریهایشان در موضوعات مختلف رفاهی و دیگری توجه به خود این موضوع ادبیات نظری آن و ارتباط آن با دیگر موضوعات. در این پایان‌نامه به هر دو قسمت پرداخته شده است.

در رابطه با رفاه اجتماعی باید این موضوع را در نظر داشت که امروزه این مفهوم دارای معنای عامی است و دیگر فقط ثروت یا بعد ملموس و مادی آن مورد نظر نیست. تعریفی که در این تحقیق مبنای کار قرار داده شده است تعریف عام این مفهوم است.

۲-۱-اهداف تحقیق

در ایران متأسفانه همان گونه که تحقیقات مختلف نشان داده است حلقه‌های اعتماد پایدار بسیار محدود و مربوط به استانهای محروم کشور است. این امر نشان می‌دهد که در کشور ما هنوز الگوی سنتی، حاکم بر روابط افراد است و با مدرنتر شدن و توسعه بیشتر مناطق حلقه‌های سنتی رابطه جای خود را به حلقه‌های وسیعتر نمی‌دهد. باید به این نکته توجه داشت که لازمه زندگی سنتی و نوع تعاملات افراد در آن فضا اقتضای روابط صمیمی، در حلقه‌های محدود رابطه خانوادگی فامیلی و... را دارد. در حالی که با مدرن شدن زندگی اجتماعی و اقتضات جدید باید حلقه‌های روابط گسترده‌تر شود و مردم به غیر از افراد فامیل و خانواده بتوانند به غریبه‌ها نیز اعتماد داشته باشند. این امر دارای دو بعد است یکی تغییر نگرش افراد درباره غریبه‌ها و این که می‌شود با آنها رابطه برقرار کرد و هر غریبه‌ای الزاما غیر قابل اعتماد نیست و دیگر اینکه باید نوعی از اخلاق مدنی و رعایت اصول اخلاقی در میان افراد جامعه نهادینه شده باشد تا بتوان به گسترش حلقه‌های اعتماد امیدوار بود. به نظر می‌رسد که در کشور ما مشکل در هر دو بعد وجود دارد. افراد متعلق به یک متن فرهنگی کمتر پیش می‌آید که به یک فرد متعلق به متن فرهنگی دیگر در درون خرده فرهنگهای ایران اعتماد داشته باشد. این امر با وجود هویت قوی محلی در کشور تایید می‌شود. ایران با داشتن خرده فرهنگهای گوناگون در داخل خود متأسفانه هنوز به این لحاظ نتوانسته است به یک هویت ملی قدرتمند دست یابد. در حالی که یکی از پیش شرطهای هر توسعه‌ای وجود احساس تعلق به مای ملی است.

این پدیده در کشورمان آنجایی پیچیده‌تر و بغرنج‌تر می‌شود که وجود نابرابری شدید رفاهی بین طبقه دارا و ندار و مناطق با فرهنگهای گوناگون خود مزید بر علت می‌شود. چنانکه مطابق نظر بننام سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در کشورهایی در سطح بالایی است که امکانات به صورت عادلانه و در سطح بالایی برای شهروندان آن کشور وجود داشته باشد. در کشور ما به نظر می‌رسد که وضعیت به صورت برعکس است. به این معنا که چون امکانات به صورت ناعادلانه و در سطح پایینی ارائه می‌شود و در کشور اقلیتی دارا و اکثریتی ندار است، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در سطح پایینی قرار دارد.

با توسعه برخی از شاخصها در مناطقی از کشور شاهد تضعیف سرمایه اجتماعی در آن مناطق هستیم امری که دلایل و ریشه‌های آن را باید در چارچوب تحقیقات دیگری بررسی کرد، اما احتمالا یکی از دلایل این پدیده وجود نابرابریهای شدید بین افراد دارا و ندار به لحاظ برخورداری از امکانات رفاهی در خود آن مناطق و دیگر جایگزین نشدن سرمایه اجتماعی متناسب با توسعه و مدرن شدن این نواحی با در نظر داشتن تغییرات خاص آنجاست.

اهداف تحقیق شامل:

- ۱- یافتن رابطه میان رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی
- ۲- یافتن رابطه میان رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی از طریق متغیرهای واسطی مانند مسکن، آموزش، جمعیت، بهداشت، اوقات فراغت، اشتغال و درآمد
- ۳- یافتن الگوی وضعیت سرمایه اجتماعی در جامعه آماری
- ۴- یافتن الگوی رفاه اجتماعی در جامعه آماری

۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

در ایران متاسفانه همان‌گونه که تحقیقات مختلف نشان داده است حلقه‌های اعتماد پایدار بسیار محدود و مربوط به استانهای محروم کشور است. این امر نشان می‌دهد که در کشور ما هنوز الگوی سنتی، حاکم بر روابط افراد است و با مدرنتر شدن و توسعه بیشتر مناطق حلقه‌های سنتی رابطه جای خود را به حلقه‌های وسیعتر نمی‌دهد. باید به این نکته توجه داشت که لازمه زندگی سنتی و نوع تعاملات افراد در آن فضا اقتضای روابط صمیمی، در حلقه‌های محدود رابطه خانوادگی فامیلی و... را دارد. در حالی که با مدرن شدن زندگی اجتماعی و اقتضات جدید باید حلقه‌های روابط گسترده‌تر شود و مردم به غیر از افراد فامیل و خانواده بتوانند به غریبه‌ها نیز اعتماد داشته باشند. این امر دارای دو بعد است یکی تغییر نگرش افراد درباره غریبه‌ها و این که می‌شود با آنها رابطه برقرار کرد و هر غریبه‌ای الزاما غیر قابل اعتماد نیست و دیگر اینکه باید نوعی از اخلاق مدنی و رعایت اصول اخلاقی در میان افراد جامعه نهادینه شده باشد تا بتوان به گسترش حلقه‌های اعتماد امیدوار بود. به نظر می‌رسد که در کشور ما مشکل در هر دو بعد وجود دارد. افراد متعلق به یک متن فرهنگی کمتر پیش می‌آید که به یک فرد متعلق به متن فرهنگی دیگر در درون خرده فرهنگهای ایران اعتماد داشته باشد. این امر با وجود هویت قوی محلی در کشور تایید می‌شود. ایران با داشتن خرده فرهنگهای گوناگون در داخل خود متاسفانه هنوز به این لحاظ نتوانسته است به یک هویت ملی قدرتمند دست یابد. در حالی که یکی از پیش‌شرطهای هر توسعه‌ای وجود احساس تعلق به مای ملی است.

این پدیده در کشورمان آنجایی پیچیده‌تر و بغرنجتر می‌شود که وجود نابرابری شدید رفاهی بین طبقه دارا و ندار و مناطق با فرهنگهای گوناگون خود مزید بر علت می‌شود. چنانکه مطابق نظر بتنام سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در کشورهایی در سطح بالایی است که امکانات به صورت عادلانه و در سطح

بالایی برای شهروندان آن کشور وجود داشته باشد. در کشور ما به نظر می‌رسد که وضعیت به صورت برعکس است. به این معنا که چون امکانات به صورت ناعادلانه و در سطح پایینی ارائه می‌شود و در کشور اقلیتی دارا و اکثریتی ندار است، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در سطح پایینی قرار دارد.

با توسعه برخی از شاخصها در مناطقی از کشور شاهد تضعیف سرمایه اجتماعی در آن مناطق هستیم امری که دلایل و ریشه‌های آن را باید در چارچوب تحقیقات دیگری بررسی کرد، اما احتمالاً یکی از دلایل این پدیده وجود نابرابریهای شدید بین افراد دارا و ندار به لحاظ برخورداری از امکانات رفاهی در خود آن مناطق و دیگر جایگزین نشدن سرمایه اجتماعی متناسب با توسعه و مدرن شدن این نواحی با در نظر داشتن تغییرات خاص آنجاست.

۴-۱- نحوه انجام تحقیق

برای بررسی رابطه دو متغیر رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی در شهر سنندج بر حسب فرمول کوکران و جمعیت شهر که ۴۰۰۰۰۰ نفر است ابتدا تعداد ۳۸۲ پرسشنامه در ۴ منطقه در شمال، جنوب، شرق و غرب شهر پخش شد. شیوه کار به این صورت بود که از هر کدام از مناطق شهر یک محله انتخاب، از هر کدام از محلات یک خیابان انتخاب و از هر کدام از خیابانها یک کوچه انتخاب گردید و از منازل هم به صورت سیستماتیک سوال به عمل آمد. به خاطر اینکه تعداد سوالات بی‌پاسخ نباید از ۵۰ پرسشنامه بیشتر باشد پس از آنکه ۳۸۲ پرسشنامه در سطح شهر پخش شد و تنها مردم حدود ۳۱۰ پرسشنامه را پاسخ داده بودند به همین خاطر ۴۰ پرسشنامه دیگر نیز در سطح شهر پخش شد تا تعداد پرسشنامه‌های پاسخ‌داده شده به ۳۳۹ عدد رسید. محله‌های انتخاب شده شهر در شرق شهر محله عباس-آباد، در غرب مبارک‌آباد و تکیه و چمن، در جنوب شهرک سعدی و خیابان ادب و در شمال منطقه فیض‌آباد است. در اینجا ذکر دو نکته را لازم می‌دانم: یکی اینکه علیرغم تلاش زیاد من و همکاری

برخی از دوستان در کار انجام پرسشنامه در کل همکاری مردم در پاسخ دادن به سوالات کم بود و به برخی پرسشنامه‌ها جوابهای درستی داده نشده بود که این خود نشان‌دهنده بی‌اعتمادی مردم به یکدیگر و ناآشنا بودن به کارهای پژوهشی کمی و پرسشنامه‌ای است و به نظر نگارنده این سطور تنها با کارهای کیفی و به صورت مصاحبه عمیق آن هم به شرط جلب اعتماد پرسش‌شونده حین مصاحبه می‌توان به داده‌های دقیقی برای تحقیق رسید وگرنه در جامعه آماری این تحقیق با در نظر داشتن بی‌اعتمادی و ناآشنایی مردم با کار تحقیق، خیلی به نتایج داده‌های تحقیقات کمی نمی‌توان امیدوار بود. نکته دیگر تفاوت نوع اعتماد اقشار دارا و ندار و نسلهای متفاوت به کار تحقیق بود. در مناطق ثروتمندتر شهر همکاری مردم در جواب دادن سوالات کمتر بود و برخوردهای تند و ناشی از بدبینی در میان آنها بیشتر به چشم می‌آید. اما به خاطر آشنایی بیشتر آنها با کار پرسشنامه دقت جوابهای آنها از مناطق فقیرنشین شهر بهتر بود. مورد دیگر درباره سن و سال پاسخ‌دهندگان به سوالات بود. هرچه سن پاسخ‌دهندگان بیشتر می‌شد میزان همکاری آنها کمتر می‌شد و بیشترین میزان همکاری را جوانان و دانشجویان در امر پاسخ‌دهی داشتند. همکاری خانمها نیز از آقایان در کل در سطح بالاتری بود. در میان مشاغلی که از آنها سوال به عمل آمد نیز دارندگان بنگاه معاملات ملکی کمترین اعتماد و بدترین پاسخها را در میان کل پرسش‌شوندگان داشتند. در نظرسنجیهای پیشین نیز در سطح کشور کمترین اعتماد را مردم به این شغل داشتند که به نظر می‌رسد مساله دوطرفه است! چون در کار تحقیق تکیه خاصی بر اقشار بالا یا پایین، مسن یا جوان، زن یا مرد نبود به هر کدام از خانواده‌ها یک پرسش‌نامه داده می‌شد و هر کدام از اعضای خانواده می‌توانست آن را پر کند. به برخی از سوالات نیز مانند سوالات مربوط به درآمد و اشتغال و... کمتر از باقی سوالات پاسخ داده شده است که دلیل آن این است که برخی از پرسش‌شوندگان مانند زنان خانه‌دار، سالمندان و دانشجویان منبع درآمدی نداشتند و یا اصولاً مشغول به کار نبودند. برخی از

سوالات نیز مانند میزان هزینه آموزشی یا بهداشتی در ماه نیز بعضاً بی پاسخ ماند که دلیل آن بی اطلاعی مردم از میزان آن بود.

مبانی نظری

پس از وقوع انقلاب کبیر فرانسه دو جریان سیاسی از همدیگر تفکیک شدند یکی جناح چپ که در اقلیت بود و دیگری جناح راست که اکثریت را شکل می داد. علت نامگذاری جناح چپ این بود که افراد عضو این جناح در سمت چپ مجلس می‌نشستند و جناح راست نیز در طرف راست می‌نشست. از آن هنگام به بعد جناح چپ به عنوان جناح اوپوزیسیون و مخالف و جناح راست به عنوان جناح حاکم شناخته شده است. امروزه در غرب به احزابی که دارای ایدئولوژیهای لیبرال و محافظه کار هستند جناح راست گفته می‌شود و به احزابی که دارای ایدئولوژی سوسیالیستی و کمونیستی هستند جناح چپ اطلاق می شود. بر حسب نظریه اسپینگ-اندرسون سه الگوی رفاهی بر این مبنا از همدیگر قابل تفکیک است: الگوی رفاهی محافظه کاری، الگوی رفاهی لیبرال و الگوی رفاهی سوسیال دموکراسی. الگوی لیبرال «کاملاً فردگرایانه است و براین فرض مبتنی است که افراد باید در درون فضایی مبتنی بر بازار که مساعدت دولت فقط تامین کننده حداقل و محدود، آن هم به عنوان آخرین چاره است؛ به خود متکی باشند. حقوق اجتماعی [در این الگو] به ندرت حضور دارد. «(فیتزپتریک، 238:1385)

نظام دوم نظام محافظه کار (یا صنفی) است که «در جاتی از ادغام اجتماعی را دارد و فقط اندکی با اشتراک گراییی دولتی فاصله دارد... این نظام بر محور خانواده و سلسله مراتب منزلتی می چرخد. در اینجا بده اجباری اهمیت به مراتب زیادی دارد. اما معمولاً بر پایه تقسیم بندیهای شغلی سازمان داده می شود نه بر مبنای اصول مساوات طلبی و فراگیری» (همان: 239).

نظام سوم «نظام سوسیال دموکرات است که کاملاً فراگیر محسوب می شود... سطوح مزا یا بالاست و به همین مناسبت

نابرابری در آن اندک است و ناگفته پیداست که هزینه های اجتماعی و مالیات‌ها سطوح بالایی دارد. بر این پایه حقوق شهروندان ملاک و محور اصلی است» (همان: 240)

بر حسب ایدئولوژی رفاهی می توان چارچوب ایدئولوژی مارکسیستی و همچنین الگوی رفاهی آنرا نیز به این سه الگواضافه کرد اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دیگر چندان سیستمهای رفاهی مهمی بر مبنای این ایدئولوژی شکل نگرفته است. اسپینگ-اندرسون تنها به بعد رفاهی این سه ایدئولوژی می پردازد اما برای دانستن تفاوت اینها باید به خود این ایدئولوژیها و تفاوت آنها نیز پردازیم.

لیبرالیسم

لیبرالیسم فلسفه انتخاب فردی است و بحدی فردگرایانه دارد. در بعد اقتصادی لیبرالها به آزادی کنشگران اقتصادی و قوانین آزاد تاکید دارند. آزادی نزد آنها دلالتهای «عملیات آزاد بازار همراه با حداقل دخالت دولت» (فیتزپتریک، 240: 1383) به همین جهت این رویکرد آنها «متضمن دشمنی با دولت غیر حداقلی و به خصوص هر نوع نظام بازتوزیع رفاهی است. آنها کمال گرا نیستند... کمالگرا نبودن به معنای داشتن این باور است که روایت‌های متفاوتی از خوبی وجود دارد و مردم باید آزاد باشند آنچه را بهتر می دانند انتخاب کنند» (همان: 31) آزادی نزد لیبرالها متضمن مبادله آزاد و بازارهای مقررات زدایی شده در عرصه اقتصادی است. در زمینه سیاسی لیبرالیسم از آغاز «کوششی فکری به منظور تعیین حوزه خصوصی (فردی، خانوادگی و اقتصادی) در برابر اقتدار دولتی بوده است و به عنوان ایدئولوژی سیاسی از حوزه جامعه مدنی، به ویژه مالکیت خصوصی دفاع کرده است... می توان از دو نوع لیبرالیسم سخن گفت: اول لیبرالیسم اقتصادی به مفهوم رایج که به مفهوم حفظ

بازار آزاد و رقابتی ممکن است و در دولتهای دیکتاتور و فاشیست هم می تواند برقرار باشد.

دوم لیبرالیسم فرهنگی به معنی آزادی اندیشه و بیان که امکان دارد در نظام‌هایی با اقتصاد دولتی نیز وجود داشته باشد» (سیراندیشه‌ها... ، 1385: 11-12) در زمینه حقوق بشر آنها بر حقوق بنیادای مانند آزادی قلم ، آزادی بیان ، آزادی احزاب ، حق اعتراض و راهپیمایی تاکید دارند. پیش فرض لیبرال‌ها این است که اگر افراد آزاد به انتخاب آن گزینه ای باشند که مدنظرشان است، آنگاه در زمینه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جامعه می‌تواند به جهت درست سوق داده شود. به همین جهت لیبرالیسم با هرگونه حمایت از گروه خاصی که آزادی افراد را محدود سازد به مخالفت می پردازد چنان که با «هرگونه نخبه گرایی مبتنی بر حسب و نسب، مذهب، اشرافیت فکری و... مخالفت می ورزد و از بسط حیطه اختیار و انتخاب فرد دفاع می کند» (همان: 14) در این فلسفه از رنسانس به بعد رگه هایی از اصلاح دینی نیز وجود دارد. این اندیشه از قرن بیستم « با رقبای و دشمنان سرسختی چون ناسیونال سوسیالیسم در آلمان، فاشیسم در ایتالیا، و استالینیسم در روسیه شوروی به منزله نظام‌های برتر و مرتبط با توتالیتاریسم مواجه شد... [لیبرالیسم] فرد را متکی به نیروی عقل می داند که برقراری روابط شرورانه با دیگری در کنار سودهای اندک باعث زیانهای بسیاری می شود... به تعبیرها یک فرد هم از فرصت و انتخاب برخوردار است و هم باید مسئول نتایج اعمال خوب یا بد خود باشد. «(قادری، 1381: 19) همان گونه که در ابتدای این مقاله ذکر شد جناح راست شامل دو ایدئولوژی محافظه کاری و لیبرالیسم است. ملاک این تقسیم بندی آن است که جناح چپ همواره به دفاع از برابری پرداخته و به آن اولویت داده است و در حالی که جناح راست این چنین تلقی‌ای

نداشته است. از طرف دیگر جناح چپ در کنار تاکید بر برابری در جستجوی ناکجا آباد بوده ایده آلیستی با مسائل روبه روی می شود. (بابیو، 1379: 109-114) تحلیل لیبرالها از جامعه نیز با دیگر ایدئولوژیها متفاوت است. آنها جامعه را «نه به عنوان یک موجودیت برحق، که به مثابه مجموعه ای از افراد به شمار می آورند. تا آن اندازه که جامعه وجود دارد، زاییده توافقیهای اختیاری و قراردادی است که توسط افراد طالب نفع خویشتن صورت گرفته است» (هی وود، 1379: 146) از معروفترین فیلسوفان لیبرل در قرن بیستم راولز است که سعی دارد از آزادی راهی را به برابری بیابد بر مبنای نظر او:

«هدف فلسفه سیاسی شال و ضوح بخشیدن به شیوه های جدید تجربه نشده یا اجماع بر سر مسائل مهم می شود به شیوه هایی که به نفع بیشتر انسانهای بی تفاوت باشد. این هدف همچنین راهی را جستجو می کند تا نشان دهد که چرا شیوه های معین در اشکال نهادی سازمان یافته از دیگر اشکال برای درک ارزشهای دموکراتیکی چون آزادی و عدالت مناسبتر است. این امر تنها در صورتی در سطح عامه به شیوه گسترده معنا خواهد یافت که سنت، مدافعان اشکال موجود موقتی با توجه به عدالت مینا قرار گیرد (Brouner, 1997:20).

دولت لیبرال در برابر دولت افلاطونی قرار دارد که در آن دولت، سازمانی مطلقا اقتصادی است که تنها در نتیجه نیازهای مادی انسان به وجود آمده و منحصر بر پایه روش توزیع کار که برای تامین آن نیازها لازم است بنا گردیده است. شکل گیری این تفکر که دولت ها به مثابه کارگزار رفاه انسان ها هستند از گذشته بر جای مانده است. اما با گسترش لیبرالیسم دستخوش دگرگونی شد. بر اساس اصول لیبرالیسم، انسان به موجب توانایی های عقلی خود موجود مختار و مستقلى است که می تواند بر طبق

آراء و عقاید خودش زندگی کند و چنین شیوه ای در زندگی موجب تحقق صلاح فرد و جمع خواهد شد، بنا بر این میان لیبرالیسم و محافظه کاری تفاوت های عمده ای وجود دارد. تأکیدی که بر سنت به عنوان عقل جمعی در محافظه کاری می شود جای خود را به فردگرایی در لیبرالیسم می دهد. و از طرف دیگر لیبرالیسم و محافظه کاری هر دو از ایدئولوژی های راست دموکراتیک هستند و هر دو بر ضرورت مصونیت حوزه اقتصادی از دخالت دولتی اشتراک نظر دارند.

لیبرالیسم در حوزه سیاسی هرگونه تقدس و احترام ویژه اربابان قدرت را مردود شمرده و به لحاظ اخلاقی نیز اخلاق برتر و انسانهای برگزیده را قبول ندارد. به لحاظ تاریخی این اندیشه در برابر تسلط کلیسا بر جامعه و در اوج انقلاب کبیر فرانسه خود را نشان می دهد. مثال مشخص این ایدئولوژی آمریکا است. چنانکه ایدئولوژی مسلط رفاهی آن نیز لیبرال است. در این کشور خدمات رفاهی و «تغییرات عمدتاً به منظور پاسخگویی به مسایل ویژه ارائه شده است ولی ابعاد گسترده ملی را دربرنگرفته است. دومین ویژگی خط مشی رفاه اجتماعی ایالات متحده عدم تمرکز قابل ملاحظه آن است. [تصمیم گیری در سه سطح حکومت فدرال، محلی و ایالتی]» (تامین اجتماعی در ایران... ، 1386:250) ویژگی سوم این الگو اتکا به بخش خصوصی است. در این کشور ارائه خدمات رفاهی به گروه های مشخصی از فقرا و به صورت کمک نقدی صورت می گیرد. تامین مالی برنامه های بیمه اجتماعی صرفاً افراد حقوق بگیر حائز شرایط را دربرمی گیرد. بیمه های اجتماعی نیز که شامل پرداخت مزایای بازنشستگی، فوت و ازکارافتادگی، خدمات درمانی برای تمامی شاغلین می شود و در ازای پرداخت حق بیمه و کسب شرایط لازم پرداخت می شود. (همان: 241-256)